

گزارشی از تأثیر افزایش شدت کار بر سلامت و زندگی کارگران

زندگی برای کار یا کار برای زندگی؟

گزارش

در حالی که کار انسانی (اعم از ذهنی و یدی) رضایت خود را به همراه دارد، کار برای اکثر افراد در بیشتر مواقع واقعا دارای زحمت فراوان است. حتماً بارها شنیده‌اید که می‌گویند مردم زندگی نمی‌کنند تا کار کنند؛ آنها کار می‌کنند که زندگی کنند. اما نسبت میان کار و زندگی چه تغییری داشته است؟ آیا پیشرفت فناوری و ابزار انسان‌ها روز به روز کمتر کار می‌کنند؟ تأثیر کار بر سلامت انسان‌ها چیست؟

در بسیاری از مشاغل به کمک اختراع فناوری ساعت کار روزانه در بسیاری از مشاغل کاهش یافته است. از این گذشته یک‌ر خد بسیار مهم قرن بیستم که باعث کاهش ساعت کار روزانه به هشت ساعت شد سیستم مدیریت فوردیستی بود. دلیل اصلی این امر هم برای سرمایه‌دار بزرگ آمریکایی نه کمک به زندگی بهتر کارگران بلکه این بود که آنها اوقات فراغتی داشته باشند که بتوانند در آن کالاهایی که با افزایش بهره‌وری هر روز بیشتر تولید می‌شوند را مصرف کنند و به چرخه تولید کمک شود. در عین حال، ادعاهای بسیاری از سوی اقتصاددانان (عمدتاً غربی) مطرح شده مبنی بر اینکه روزهای کاری به طور پیوسته کاهش یافته و در زمینه کار همه چیز در حال بهتر شدن است و دیگر کودکی در معدن و کارخانه کار نمی‌کند. اما آیا این موضوع حقیقت دارد؟ شاید در کشورهای توسعه‌یافته سرمایه‌داری جهانی این موارد مصداق داشته و قوانین سفت و سختی برای کار کودکان وضع شده باشد، اما اقتصادهای این کشورها همچنان به کار کودکان در کشورهای کمتر توسعه‌یافته و فقیر وابسته است. واقعیت این است که کودکان بسیار زیادی در مزارع، معادن و کارخانه‌های کشورهای جنوب جهانی کار می‌کنند. علاوه بر این، در حالی که ممکن است کل ساعات کار بر اساس آمار رسمی کاهش یافته باشد، اما بخش‌های قابل توجهی از نیروی کار هنوز ساعات طولانی و کار فشرده را تحمل می‌کنند. به گفته سازمان جهانی بهداشت و سازمان بین المللی کار، حدود ۵۰۰ میلیون نفر در جهان حداقل ۵۵ ساعت در هفته کار می‌کنند. اما ماجرا به اینجا ختم نمی‌شود. در سال‌های اخیر، روند کاهش ساعات کاری متوقف شده و در برخی موارد معکوس شده است. گزارش سازمان جهانی کار در سال ۲۰۱۸ نشان داد «بخش قابل توجهی از نیروی کار جهانی یا ساعات بسیار طولانی (بیش از ۴۸ ساعت در هفته) کار می‌کنند که به‌ویژه مردان را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا ساعات‌های کوتاه/کار نیمه‌وقت (کمتر از ۳۵ ساعت در هفته) که عمدتاً زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.» ۳۵ ساعت کار که باعث می‌شود این کارگران پاره‌وقت از یکسو از مزایای کار تمام‌وقت بهره‌مند نشوند و از سوی دیگر نزدیک به کار تمام‌وقت کار کنند.

انعطاف‌پذیری یا فشار بیشتر؟

از سوی دیگر، همین گزارش نشان می‌دهد عوامل بسیاری در کار و ساعات کاری دچار تغییر شده؛ از جمله تنوع در ترتیبات زمان کار، با فاصله گرفتن از هفته کاری استاندارد که شامل ساعات کاری ثابت در هر روز برای تعداد معینی از روزها است و حرکت به سمت اشکال مختلف ترتیبات زمان کار «انعطاف‌پذیر» مانند اشکال جدید نوبت کاری، افزایش میانگین ساعات کار، هفته‌های کاری فشرده و... یکی از نتایج این تغییرات به‌ویژه انعطاف‌پذیری ساعات کار این است که کارمندان و

کارگران همیشه باید در حالت آماده‌باش باشند؛ چنانچه سازمان جهانی کار گزارش می‌دهد این انعطاف‌پذیری صرفاً مختص مشاغل محدود و سطح پایین نبوده بلکه تشدید کار را در میان مدیران، پرستاران، کارگران هوافضا، کارگران فرآوری گوشت، معلمان مدارس، کارکنان فناوری اطلاعات و... نشان داده است. همچنین شواهدی از تشدید کار در اروپا و ایالات متحده وجود دارد. فرانسیس گرین، استاد دانشگاه کالج لندن که سال‌ها این پدیده را مورد مطالعه قرار داده، می‌گوید: «این فقط افراد خط تولید آمازون نیستند که کارشان تشدید شده، بلکه در طیف بسیار وسیعی از مشاغل ما این امر را می‌بینیم.» بر اساس تحلیل اندیشکده بنیاد رزولوشن انگلیس، کمی بیش از دوسوم کارمندان در انگلیس گفته‌اند که «تحت تنش زیادی کار می‌کنند.» همین امر برای نیمی از افرادی که در دهک‌های پایینی برای پرداخت حقوق حضور داشتند، صادق بود و این گروه دوم بیشترین افزایش تنش را از دهه ۱۹۹۰ تجربه کرده‌اند. جیمی مک‌کالوم در کتاب خود با عنوان «چگونه کار شبانه‌روزی رویای آمریکایی را می‌کشد؟» اشاره می‌کند که در واقع ساعات کار همه کارگران مزدبگیر و حقوق‌بگیر در ایالات متحده از سال ۱۹۷۵ به میزان ۱۳ درصد افزایش یافته است که حدود پنج هفته کاری اضافی در سال است. تحقیقات او نشان می‌دهد این افزایش ساعات و فشار کاری، بیشتر و بیشتر بر روی کارگران کم‌دستمزد است که عمدتاً شامل زنان است. نتیجه یک مطالعه در دهه ۱۹۹۰ در برخی کشورهای غربی نشان داد که «اختیار شخصی» آنها مهمترین عامل در میزان سختکوشی آنها در محل کار بود. اکنون اما با افزایش رقابت بین بنگاه‌های مختلف تولیدی و خدماتی و لزوم ارائه خدمات بهتر و بیشتر، این مشتریان هستند که به مهمترین عامل افزایش ساعات کار یا سختکوشی تبدیل شده‌اند. در دنیای ارتباطات فوری و دیجیتال، بسیاری از کارگران احساس می‌کنند یا از سوی کارفرما به آنها فشار وارد می‌شود که باید به سرعت به خواسته‌های مصرف‌کننده یا مشتری پاسخ دهند.

وضعیت کارمندان دولتی

اما عامل بسیار مهم دیگر، افزایش ساعات کاری در نیمه دوم قرن بیستم که تحت تأثیر سیاست‌ورزی نئولیبرالیستی از زمان مارگارت تاچر به کارگران به‌ویژه در بخش‌های دولتی وارد شد «کوچک شدن دولت» بود. سیاست کوچک شدن دولت باعث شد تا بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته غربی به سرعت از آن استقبال کنند و دولت‌ها شروع به کاهش نیروی کار در استخدام خود کنند؛ بدون آنکه خدمات دولتی را کاهش دهند. این امر باعث شد تا حجم کاری که قبلاً مثلاً توسط هزار نفر انجام می‌شد، همان حجم کار توسط تعداد کمتری مثلاً ۵۰۰ نفر انجام گیرد، بنابراین فشار کاری بر آنها

افزایش یابد. از سوی دیگر، بخش‌های زیادی از فعالیت‌ها و خدمات دولتی به بخش خصوصی واگذار شد که دست بازتری برای افزایش فشار کاری بر کارمندان داشتند. در عین حال فناوری‌ها همچنان که از یک سو منجر به کاهش ساعات کاری در برخی مشاغل شد، از سوی دیگر امکان نظارت و افزایش فشار بر کارگران را افزایش داد. برخی از شرکت‌ها از فناوری استفاده کرده‌اند تا کار بیشتری را از کارکنان خود بگیرند. مکان‌های کار بیشتری مانند انبارها تا حدی خودکار شده‌اند که به معنای این است که کارگران باید همگام با ماشین‌ها حرکت و کار کنند. امروزه نظارت بر سایر کارگران نیز آسان‌تر از گذشته شده و ما شاهد رشد نرم‌افزارهایی هستیم که ضربه‌های کلید کارکنان بر روی صفحه کیبورد را ردیابی، وقفه‌های آن‌ها را اندازه‌گیری و اگر به سالیات‌های غیر مرتبط با کار سر بزنند، هشدار را برای آنها ارسال می‌کند و در صورت ادامه به مدیر خبر می‌دهد.

شدت کار و سلامتی

یکی از موضوعات مهم در ارتباط با افزایش ساعات کاری، تأثیر آن بر کاهش سلامت و افزایش مرگ‌ومیر است. طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت و سازمان بین‌المللی کار، افزایش ساعات کاری و ساعات کار طولانی منجر به مرگ نزدیک به ۷۵۰ هزار نفر در سال ۲۰۱۷ شده است. این در حالی است که این رقم در سال ۲۰۰۰ تقریباً ۵۹۰ هزار نفر بود. طبق تخمین‌های سازمان جهانی بهداشت، افرادی که بیشتر از ۳۵ تا ۴۰ ساعت در هفته کار می‌کنند در مقایسه با افراد شاغل، ۳۵ درصد بیشتر در معرض خطر سکته مغزی و ۱۷ درصد بیشتر در معرض خطر بیماری قلبی قرار دارند؛ به‌ویژه مردان و بزرگسالان میانسال بیشتر در معرض این مشکل هستند و مرگ ناشی از کار اضافی در جنوب شرقی آسیا شایع‌تر است. آنچه که در دنیا به عنوان

«کاوشی» یا مرگ ناشی از فشار کاری در ژاپن شناخته می‌شود دقیقاً به همین موضوع مرتبط است. در حالی که دولت ژاپن تعداد مرگ‌ومیر کاوشی را حدود هزار و ۵۰۰ نفر در سال عنوان می‌کند برخی تحقیقات مستقل نشان داده‌اند که این رقم چیزی حدود ۱۰ برابر این رقم است. بنا به تحقیقات دولت ژاپن کاوشی عمدتاً خود را به دو شکل نشان می‌دهد: نخست آنکه خود را به شکل خودکشی‌های مستقیم ناشی از کار نشان می‌دهد و دوم مرگ‌ومیر ناخواسته که عمدتاً به دلیل بیماری‌های قلبی و مغزی ناشی از کار و خستگی زیاد ایجاد می‌شود. داده‌های وزارت بهداشت ژاپن تأیید می‌کند که ساعات کار معمولی در ژاپن حدود ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار روزانه است و کاوشی عمدتاً در افرادی اتفاق می‌افتد که علاوه بر این ساعات کاری حدود ۱۰۰ ساعت در ماه اضافه کاری می‌کنند. یکی از دلایل اصلی این امر این است که در ژاپن هیچ محدودیت قانونی برای تعداد ساعات کار روزانه وجود ندارد. همچنین تحقیقات وزارت بهداشت این کشور نشان می‌دهد کاوش بیشتر در مشاغل اتفاق می‌افتد که جز مشاغل سخت هستند؛ مانند کارگران ساختمانی کشتیرانی و در مان. یک مطالعه جدید توسط دانشگاهیان تام‌هانت و هری پیکارد نشان داد که «کار با شدت بالا» احتمال افزایش استرس، افسردگی و فرسودگی شغلی را بشدت افزایش می‌دهد. داده‌های اداره بهداشت و ایمنی انگلیس نیز نشان می‌دهد نسبت افرادی که از استرس، افسردگی یا اضطراب ناشی از کار رنج می‌برند حتی قبل از شیوع همه‌گیری همواره در حال افزایش بوده است. خوزه تابایا گرانادوس، اقتصاددان سلامت، برخلاف برداشت عمومی طی یک مطالعه طولانی‌مدت دریافت که در دوره‌های رونق اقتصادی و اشتغال کامل نرخ مرگ‌ومیر به دلیل استرس ناشی از کار افزایش یافته است. در حالی که در دوران رکود که میزان کار کردن کمتر بوده، استرس و مرگ‌ومیر ناشی از کار نیز کاهش یافته است.



سجاد مرادی

روزنامه‌نگار

طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت و سازمان بین‌المللی کار، افزایش ساعات کار و ساعات کار طولانی منجر به مرگ حدود ۷۵۰ هزار نفر در سال ۲۰۱۷ شده است. این در حالی است که این رقم در سال ۲۰۰۰ تقریباً ۵۹۰ هزار نفر بود

تجمع کارگران ترک برند اسپانیایی

کارگران ترکیه‌ای برند مطرح اسپانیایی پوشاک و زیورآلات «زارا» مقابل فروشگاه مرکزی این شرکت در استانبول جمع شدند. این کارگران برای اینکه صدای خود را به گوش مردم رسانند، قبل از شروع شیفت کاری به فروشگاه‌های اصلی زارا رفته و با گذاشتن برچسب‌های ویژه روی محصولات در حال فروش از مصرف‌کنندگان خواسته بودند تا از آن‌ها حمایت کنند. مصرف‌کنندگان واقعا این صدرا شنیده و حدود ۳۰ هزار نفر طومار کارگران را امضا کردند. در این طومار از زارا خواسته شده بود حقوق معوقه آن‌ها را پوشش دهد. بدین ترتیب کمپین کارگری توانسته بود صدای آن‌ها را به گوش میلیون‌ها نفر برساند. با این حال، زارا همچنان از پرداخت بدهی خود به کارگران ترکیه‌ای خود خودداری می‌کند.

این بار کارگران این برچسب‌ها را در قالب پلاکاردهای بزرگ چاپ کردند و با در دست داشتن آن‌ها مقابل مغازه‌های زارا ایستادند و به این ترتیب مطالبات خود را به اطلاع مصرف‌کنندگان بازدیدکننده زارا رساندند و بار دیگر خواستار پرداخت معوقات حقوقی خود شدند. در مقابل فروشگاه زارا در منطقه نیشانتاشی استانبول، کارگران در یک ردیف ایستادند و پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آن نوشته شده بود «محصولاتی را که می‌خواهید از زارا، نکست و مانگو بخرید، تولید کردم. با این حال، من پول خود را دریافت نکردم.»

اعتصاب مجدد کارگران استارباکس آمریکا

کارگران استارباکس در یکی از فروشگاه‌های جنوب مینه‌سوپولیس ایالت مینه‌سوتا ای آمریکا اعتصاب کردند و به کارگران اعتصابی استارباکس در ایالات بوستون، سیاتل، فیلادلفیا و دیگر شهرها پیوستند. این کارگران به دلیل فشارها در تلاش برای مذاکره درباره قرارداد‌های جمعی کار خود و افزایش حقوق پس از وقوع تورم بالای ۱۰ درصدی مواد غذایی در آمریکا هستند. آنها ضمن تقاضا برای کاهش ساعت کار به دلیل همه‌گیری کرونا در کشور، اعلام اعتصاب دو روزه کرده‌اند. به‌رغم تعجب همگان، امروز در اغلب ایالت‌های آمریکا و از جمله مینه‌سوتا به مشتریان استارباکس گفته شد که به مدت دو روز قهوه آماده‌ای وجود نخواهد داشت، اما فروشگاه‌های استارباکس همچنان طبق معمول باز هستند. کارگران می‌گویند اعتصاب غافلگیرکننده دو روزه -که بخش مینه‌سوتای شرکت برای اولین بار به آن پیوست- در اعتراض به شکست مذاکره با مدیریت شرکت بر سر قرارداد حقوقی شرکت و تغییر ساعات کاری بوده است. امیلی ماهونی، کارگر و بارپستای قهوه یکی از فروشگاه‌های استارباکس در بین پخش اعلامیه‌هایی درباره اعتصاب به مشتریان گفت: «بدیهی است فقط آن‌ها (کارفرمایان) سعی می‌کنند ما را از مسیر خواسته‌های خود در فرایند اعتراض صنفی منحرف کنند، اما این بار ما فرآج را می‌کنند.» استارباکس دومین شرکت پس از آمازون آمریکا بود که در یک مبارزه طولانی بالاخره توانست حق تشکیل اتحادیه را در آمریکا از آن خود کرده و به‌رغم کارشکنی‌های مدیریت شرکت، انتخابات خود را برگزار کند.

اگر بانک

مرکزی آمریکا به افزایش نرخ بهره ادامه دهد، حتی اگر اقتصاد این کشور از این عقب‌روانده افتاد. استانداردهای زندگی تقریباً همه کسانی که پول قرض می‌کنند، در حال حاضر کاهش یافته است. در این میان، مالیات بیشتر بر ثروتمندان که دموکرات‌ها آماده اعمال آن هستند، به تعدیل تقاضای کل کمک می‌کند و در نتیجه بخشی از آتش تورم را فرومی‌نشانند. رویکرد فدرال رزرو در جهت افزایش نرخ بهره، رویکرد اشتباهی است. این رویکرد به جای ضربه زدن به شرکت‌ها که مسئول افزایش قیمت‌ها هستند، به قشر شاغل و کارگر لطمه می‌زند.

قیمت‌های آن؟ در این میان، نیمی از افزایش اخیر قیمت مواد خوراکی مربوط به مواد گوشتی است. تنها چهار شرکت بزرگ این بازارها را کنترل و افزایش قیمت‌ها را برای کسب سودهای کلان هماهنگ می‌کنند و در اینجانباز بازار تورم به‌عنوان یک بهانه بهره می‌گیرند. اگر بازارها رقابتی بود، شرکت‌های تجاری قیمت‌ها را پایین نگه می‌داشتند تا از جذب مشتری توسط رقبای جلوگیری کنند، اما با وجودی که سود بالایی کسب می‌کنند، قیمت‌ها را افزایش می‌دهند. در همین حال، دو مسأله در ارتباط با بازار کار وجود دارد، مشاغل و دستمزد. تعداد مشاغل به خوبی افزایش یافته، اما دستمزدهای ساعتی با توجه به تورم بشدت

حرص و طمع شرکت‌های تجاری، عامل اصلی شرایط بد اقتصادی است

بار تورم بر دوش کارگران آمریکایی

گزارش

شرکت‌های بزرگ آمریکایی از تورم به عنوان پوششی برای افزایش قیمت‌ها استفاده می‌کنند. با این حال فدرال رزرو ایالات متحده در حال افزایش نرخ بهره است که بیشتر به قشر عادی آمریکایی‌ها لطمه می‌زند.

بانک مرکزی آمریکا (فدرال رزرو) هفته گذشته نرخ بهره را به میزان سه چهارم یک درصد افزایش داد و به افزایش بیشتر نرخ بهره شاید تا ماه سپتامبر (شهریور) اشاره داشت. همچنین وزارت بازرگانی آمریکا گزارش داد که اقتصاد این کشور برای دومین سه ماهه متوالی کوچک شده است. تورم دامن سراسر دنیا را گرفته است. جنگ اوکراین بهای مواد غذایی و انرژی را افزایش داده و قرنطینه‌های چین علیه کووید را نیز به آن دامن زده است. اما این همه ماجرا نیست، شرکت‌های بزرگ در حال افزایش قیمت‌های خود هستند، زیرمصرف‌کننده حق انتخاب کمی دارد. این شرکت‌ها از تورم به عنوان پوششی استفاده می‌کنند.

در این میان، سود سه ماهه دوم شرکت آکسون به ۱۷٫۹ میلیارد دلار رسیده که بیش از سه برابر سال گذشته و سود شرکت نفتی آمریکایی شورون نیز بیش از سه برابر شده و به ۱۱٫۶ میلیارد دلار رسیده است. این دو غول نفتی آمریکایی سود خود را به بخش انرژی و غیره بر نمی‌گردانند، بلکه سهام‌شان را برای پاداش به سرمایه‌گذاران و مدیران، باز خرید می‌کنند. باید توجه داشت که شرکت‌های بزرگ، کالاهای اصلی مصرف‌کننده‌ها را می‌فروشند. هفته قبل شرکت آمریکایی بی‌اندجی از افزایش سود به‌رغم افزایش هزینه‌های مواد خام و حمل‌ونقل خبر داد. اما این شاهکار چگونه مدیریت می‌شود؛ با افزایش بیشتر